

[A Persian translation of the Riqvân 2013 message of the Universal House of Justice  
to the Bahá'ís of the world]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۳ میلادی (۱۷۰ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز،

قلم‌اعلی با این بیانات روح‌افزا ظهوریوم‌لقا و یوم‌حصاد را توصیف می‌نماید: "کتاب الهی ظاهر و کلمه ناطق" و در ادامه می‌فرماید: "ای دوستان الهی بشنوید ندای مظلوم را و به آنچه سبب ارتفاع امر الهی است تمسک نمایید." حضرت بهاء‌الله سپس خطاب به پیروان خود می‌فرمایند: "به کمال روح و ریحان به مشورت تمسک نمایید و به اصلاح عالم و انتشار امر مالک قدم عمرگران‌مایه را مصروف دارید."

هم‌کاران محبوب: مشاهده مساعی فداکارانه شما عزیزان در قبال دعوت جمال اقدس ابهی، بیانات شورانگیز فوق‌را بی‌اختیار به خاطر می‌آورد. پاسخ شکوهمند مردم به ندای آن منجی امم از هر طرف به گوش می‌رسد و نفوسی که در پیشرفت نقشه ملکوتی تفکر و تأمل می‌نمایند نمی‌توانند اثرات قوه غالبه کلام الهی را بر قلوب زنان و مردان، کودکان و جوانان هر کشور و هر محدوده جغرافیایی نادیده بگیرند.

جامعه‌ای که در سراسر گیتی استقرار یافته، توانایی خود را پرورش می‌دهد تا قرائتی دقیق از اطراف خود به دست آورد، امکانات موجود را بسنجد و روش‌ها و ابزار نقشه پنج‌ساله را مدبرانه به کار برد. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، در محدوده‌هایی که مرزهای یادگیری آگاهانه گسترش داده می‌شود کسب تجربه با سرعت بیشتری صورت می‌گیرد. در چنین محدوده‌هایی اهمیت و کارایی ابزار موجود برای توان‌مندسازی تعداد فزاینده‌ای از افراد برای خدمت به خوبی درک شده است. یک مؤسسه آموزشی پویا و فعال به منزله محور اصلی اقدامات جامعه برای پیشبرد نقشه انجام وظیفه می‌نماید و مهارت‌ها و قابلیت‌های حاصله از طریق شرکت در دوره‌های مؤسسه در اولین فرصت در میادین خدمت به کار برده می‌شود. برخی در تعاملات روزانه خود نفوسی را ملاقات می‌کنند که آماده کاوش مطالب روحانی در محیط‌های مختلف هستند؛ عده‌ای می‌توانند پاسخگوی آمادگی روحانی افراد در دهکده‌ها و یا محله‌ها باشند و شاید به آن نقاط نقل مکان کنند. بسیاری برای به عهده گرفتن مسئولیت‌های مختلف قیام نموده و به صف خادمانی چون راهنمایان حلقه‌های مطالعه، مشوقین گروه‌های نوجوانان، و معلمین کودکان و یا افرادی که به اداره و هماهنگ‌سازی امور مشغول‌اند و یا به طرق دیگر فعالیت‌های

جامعه را حمایت می‌کنند می‌پیوندند. تعهد احباً به یادگیری از طریق تداوم مجهودات خود و اشتیاق به همراهی کردن دیگران ابراز می‌گردد. به علاوه آنان دو چشم انداز مکمل از الگوی عملی را که در محدوده جغرافیایی در حال شکل‌گیری است قویاً مدّ نظر دارند: یکی ادوار سه‌ماهه فعالیت یعنی نبض منظم برنامه رشد است و دیگری مراحل متمایز فرایند آموزش برای کودکان، برای نوجوانان، و برای جوانان و بزرگسالان. احباً با درکی روشن از روابطی که این سه مرحله را با هم مرتبط می‌سازد از این نکته نیز مطلع اند که هر مرحله‌ای خصوصیات، مقتضیات و امتیازات ذاتی خود را دارد. بالاتر از این، همگی واقف بر تصرفات قوای عظیم روحانی‌ای هستند که اثراتش را هم در آمار کمی پیشرفت جامعه و هم در شرح توفیقات و انتصارات حاصله می‌توان ملاحظه نمود. آنچه مخصوصاً مایه امیدواری است اینست که بسیاری از این ویژگی‌های متمایز و برجسته که از خصوصیات پیشرفته‌ترین محدوده‌های جغرافیایی می‌باشد در جوامعی که مراحل بسیار ابتدایی تری از رشد را می‌گذرانند نیز دیده می‌شود.

با عمیق‌تر شدن تجارب دوستان، توان‌مندی آنان نیز برای ترویج یک الگوی غنی و زیبای زندگی در یک محدوده جغرافیایی افزایش یافته است، الگویی که صدها یا حتی هزاران نفر را در بر می‌گیرد. بینش‌های متعددی که این خادمین عزیز امر الله از مساعی خود کسب می‌نمایند موجب خرسندی فراوان است، از جمله آنکه: پیشرفت تدریجی نقشه در سطح محدوده جغرافیایی فرایندی است پویا با ماهیتی الزاماً پیچیده که نمی‌توان آن را پدیده‌ای ساده انگاشت؛ این فرایند با افزایش توانایی در پرورش منابع انسانی و در هماهنگ نمودن و سازمان دادن اقدامات قائمین به خدمت به پیش می‌رود؛ با ازدیاد این توانایی‌ها، تلفیق طیف وسیع‌تری از ابتکارات امکان‌پذیر می‌شود؛ عنصر جدیدی که به نقشه اضافه می‌شود تا مدتی نیاز به توجه خاص دارد ولی این توجه به هیچ وجه از اهمیت سایر جوانب فعالیت‌های جامعه‌سازی نمی‌کاهد چه اگر قرار است یادگیری شیوه عمل جامعه باشد باید مترصد امکانات بالقوه‌ای بود که هر یک از ابزار نقشه در یک مقطع زمانی خاص ارائه می‌دهد و در صورت لزوم می‌بایست انرژی بیشتری صرف توسعه آن نمود اما این بدان معنا نیست که همه افراد باید در همان جنبه نقشه مشغول خدمت باشند؛ تمرکز عمده قسمت ترویج در هر دوره برنامه رشد نباید لزوماً معطوف به یک هدف باشد بدین معنی که مثلاً در یک دوره ممکن است شرایط ایجاد کند که دعوت نفوس به اقبال به امر مبارک از طریق مجهودات فشرده تبلیغی انفرادی یا جمعی مورد توجه قرار گیرد و در دوره‌ای دیگر این توجه می‌تواند به ازدیاد یک فعالیت اصلی خاص معطوف گردد.

به علاوه، احبای عزیز آگاهند که سرعت پیشرفت امور امری که در هر حال پدیده‌ای ارگانیک است، در نقاط مختلف به دلایل منطقی متفاوت است و در نتیجه مشاهده هر موفقیتی موجب سرور و دل‌گرمی آنان می‌گردد. در واقع نفعی را که از کمک هر فرد عاید پیشرفت کل می‌شود قدر می‌دانند و بدین ترتیب خدمت هر فرد به فراخور امکانات شخصی او مورد استقبال همگان قرار می‌گیرد. گردهمایی‌های منعقد برای تأمل و تفکر بیش از پیش فرصتی انگاشته می‌شود که در آن تمامی فعالیت‌های جامعه موضوع شور و مشورتی جدی و روح‌افزا می‌باشد. شرکت‌کنندگان از همه دست‌آوردهای حاصله مطلع می‌شوند و در پرتو آن، مفهوم مساعی خود را بیشتر درک می‌کنند و با برداشت بهتری از توصیه‌های مؤسّسات و بهره‌گیری از تجارب دیگران، دانش خود را در باره فرایند

رشد افزایش می‌دهند. این گونه تبادل فکر و تجربه، در فضاهاى متعدد دیگری برای مشورت در بین کسانی که به مساعی خاصی مشغول‌اند، اعم از اینکه خطّ مشی مشترکی را دنبال می‌نمایند یا در بخشی از محدوده جغرافیایی خدمت می‌کنند نیز انجام می‌شود. همه این بینش‌ها جزئی از درک وسیع‌تری از این واقعیت است که پیشرفت به آسان‌ترین وجه در محیطی حاصل می‌گردد که سرشار از عشق و محبت است، کاستی‌ها با بردباری نادیده گرفته می‌شود، موانع با شکیبایی برطرف می‌گردد، و رویکردهای آزمون شده با اشتیاق پذیرفته می‌شود. بدین ترتیب با هدایت مؤسّسات و نهادهای امری که در سطوح مختلف انجام وظیفه می‌کنند، کوشش احبّاً، هرچند در سطح فردی مختصر باشد، در یک کوشش جمعی ادغام می‌گردد تا استعداد روحانی برای پذیرش ندای جمال مبارک به سرعت شناسایی شود و به نحوی مؤثر پرورش یابد. بدیهی است یک محدوده جغرافیایی که دارای این شرایط باشد، محلّی است که در آن روابط بین فرد، مؤسّسات و جامعه — سه اجراکننده نقشه — به نحوی مطلوب در حال تکامل است.

با ملاحظه این اقدامات موفقیّت‌آمیز، یک نکته درخور توجه خاصّ است. در پیام رضوان سه سال قبل اظهار امیدواری نمودیم که در محدوده‌های جغرافیایی با برنامه فشرده رشد، احبّاً بتوانند با ایجاد مراکز فعالیت فشرده در محله‌ها و دهکده‌ها، یادگیری خود را در باره راه‌های جامعه‌سازی افزایش دهند. توفیقات حاصله از انتظارات این جمع فراتر رفته است زیرا حتّی در محدوده‌هایی که برنامه رشد از تحرک لازم برخوردار نیست، مساعی چند نفر به منظور شروع فعالیت‌های اصلی نقشه در بین ساکنان یک ناحیه کوچک، کارآیی خود را مکرراً به ثبوت رسانده است. این رویکرد در اصل بر استقبال مردم از تعالیم حضرت بهاء‌الله تمرکز می‌یابد، مردمی که برای تقلیب روحانی منبعث از ظهور حضرتش آمادگی دارند و مشتاق‌اند که از طریق شرکت در فرایند آموزشی ارائه شده توسط مؤسسه آموزشی، رخوت و بی‌تفاوتی حاصله از نیروی‌های اجتماع را کنار گذاشته به جای آن الگوهای از عمل را که باعث ایجاد تحوّل در زندگی می‌شود دنبال کنند. در هر محله یا هر دهکده‌ای که این رویکرد چند سالی توسعه یافته و احبّاً تمرکز خود را حفظ کرده‌اند، نتایج قابل ملاحظه‌ای به تدریج ولی قاطعانه آشکار می‌گردد. توان‌دهی به جوانان موجب می‌شود تا مسئولیت پیشرفت اطرافیان جوان‌تر از خود را به عهده بگیرند. بزرگ‌سالان از مشارکت جوانان در گفتگوهای پرمحتوا و سودمند راجع به امور تمامی جامعه استقبال می‌کنند. دست‌آوردهای حاصله از طریق فرایند آموزشی جامعه، توان‌مندی برای مشورت را در پیر و جوان به طور یکسان ایجاد می‌کند و فضاهاى تازه‌ای برای مکالمات هدف‌مند پدیدار می‌شود. با این حال، تغییر و تحوّل صرفاً به بهائیان و افراد دیگری که در فعالیت‌های اصلی نقشه شرکت می‌کنند و قاعدتاً ممکن است انتظار رود که زمانی طرز فکر جدیدی اتخاذ کنند منحصر نمی‌گردد. جوّ محیط کلاً تحت تأثیر قرار می‌گیرد. گرایش به ستایش خداوند در بین گستره وسیعی از جمعیت ایجاد می‌شود. تساوی زن و مرد با جلوه‌های چشم‌گیرتری ابراز می‌گردد. تعلیم و تربیت کودکان اعم از پسر و دختر، مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرد. خصوصیات روابط درون خانواده که در قالب تصوّرات کهنه قرون و اعصار شکل گرفته به نحو محسوسی تغییر می‌یابد. حسّ مسئولیت نسبت به جامعه محلی و محیط اطراف

خود فراگیر می‌شود. حتی بالای تعصب که سایه شوم خود را بر هر اجتماعی افکنده به تدریج تسلیم قوای غالبه یگانگی می‌گردد. نهایتاً مساعی جامعه‌سازی احباً بر جوانب مختلف فرهنگ تأثیر می‌گذارد.

با پیشرفت مستمر ترویج و تحکیم در سال گذشته، کوشش در سایر عرصه‌های مهم نیز غالباً به موازات آنها پیش رفته است. یکی از بارزترین نمونه‌ها آنست که پیشرفت‌هایی که در سطح فرهنگ برخی از دهکده‌ها و محله‌ها مشاهده می‌گردد تا حدی مدیون آموخته‌های ناشی از مشارکت بهائیان در اقدام اجتماعی است. دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی بیت العدل اعظم اخیراً سندی در این زمینه تهیه نموده که حاوی عصاره تجربه سی ساله، یعنی از ابتدای تأسیس آن دفتر در مرکز جهانی بهائی تا امروز است. از جمله نکات مذکور در این سند این است که فرایند مؤسسه آموزشی تا چه حد به مشارکت در اقدام اجتماعی نیز تحریک می‌بخشد. این امر به تنهایی در اثر افزایش منابع انسانی صورت نمی‌پذیرد بلکه تجربه نشان داده است که بینش‌های روحانی و خصایص و توانایی‌های منبعث از فرایند مؤسسه آموزشی به همان اندازه که برای کمک به فرایند رشد ضروری است برای مشارکت در اقدام اجتماعی نیز حائز اهمیت می‌باشد. نکته دیگری که در این سند توضیح داده شده این است که چگونه یک چارچوب ذهنی مشترک در حال تکامل و متشکل از عناصری که متقابلاً یکدیگر را تقویت می‌کنند، بر تمامی فعالیت‌های جامعه بهائی حکم فرما است هرچند این عناصر در عرصه‌های متمایز عمل جلوه‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. سند مذکور اخیراً به محافل روحانی ملی ارسال شده است. حال از آن محافل دعوت می‌نمایم که در مشورت با مشاورین این مسئله را مورد بررسی قرار دهند که چگونه مفاهیم مندرج در آن می‌تواند به پیشبرد مساعی جاری در عرصه اقدام اجتماعی در مناطق تحت اشراف آنها کمک کند و آگاهی از این بُعد مهم مجهودات بهائی را افزایش دهد. این دعوت نباید به عنوان فراخوانی عمومی برای تلاش‌های گسترده در این زمینه تعبیر گردد زیرا در یک جامعه در حال رشد شروع اقدام اجتماعی به طور طبیعی صورت می‌پذیرد ولی بجاست که احباً در باره نتایج و مقتضیات مساعی خود در جهت تقلیب اجتماع عمیق‌تر به تفکر و تأمل پردازند. ازدیاد یادگیری در اقدام اجتماعی مشغله بیشتری برای دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌نماید و تمهیداتی در دست تهیه است تا عملیات این دفتر به نحو متناسبی بسط و تکامل یابد.

یکی از ویژگی‌های بارز دوازده ماه گذشته ذکر مکرر نام جامعه بهائی در رابطه با فعالیت در زمینه‌هایی بسیار متنوع و هم‌کاری با گروه‌های هم‌فکر برای بهبود اجتماع بوده است. رهبران فکری در سطوح مختلف اجتماع، از دوایر بین‌المللی گرفته تا جوامع روستانشین، این نکته را اذعان کرده‌اند که بهائیان نه تنها قلباً خواهان رفاه عالم انسانی هستند بلکه در باره آنچه باید انجام شود درکی روشن دارند و از ابزاری مؤثر برای تحقق آمال خود برخوردارند. این قدرشناسی‌ها و حمایت‌ها هم‌چنین از جانب گروه‌هایی ابراز شده است که در گذشته انتظار نمی‌رفت. به عنوان مثال در مهد امرالله علی‌رغم موانع سهم‌گینی که ستم‌گران بر سر راه جامعه بهائی قرار داده‌اند، بهائیان به خاطر مقتضیات و تأثیرات عمیقی که پیام حضرت بهاءالله برای آینده کشورشان در بردارد بیش از پیش پذیرفته شده و به دلیل عزم راسخ‌شان برای کمک به پیشرفت وطن عزیزشان مورد احترام می‌باشند.

مصائب احبای ثابت قدم ایران به خصوص در چند دهه‌ای که از آغاز موج اخیر تضییقات می‌گذرد برادران و خواهران روحانی آنان را در سایر کشورها بر آن داشته تا به دفاع از حقوق آن مظلومان برخیزند. از جمله مواهب گران‌بهایی که به برکت این استقامت سازنده نصیب جامعه جهانی بهائی شده، تأسیس شبکه‌ای چشم‌گیر از دفاتر مخصوص در سطح ملی می‌باشد که به طور سیستماتیک با دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی رابطه برقرار ساخته است. به موازات توسعه این دفاتر، فرایندهای نقشه‌های متوالی توانایی جامعه را برای مشارکت در گفت‌وگوهای رایج در فضاهای گوناگون، از مکالمات شخصی تا اجتماعات بین‌المللی، افزایش داده است. در سطح مردمی، این کار از طریق همان رویکرد ارگانیک که موجب ازدیاد تدریجی اشتغال احبای به اقدام اجتماعی می‌شود به طور طبیعی گسترش می‌یابد و هیچ‌گونه تلاش خاصی برای تحرک بخشیدن به آن لازم نیست. اما در سطح ملی، شرکت در گفت‌وگوهای رایج اکثراً مطمح نظر این دفاتر است که هم‌اکنون در ده‌ها جامعه ملی مشغول فعالیت هستند و بر طبق الگوی مؤثر و آشنای عمل، تأمل، مشورت و مطالعه به کار خود ادامه می‌دهند. به منظور افزایش این گونه مجاهدات و با هدف تسهیل یادگیری در این عرصه، و برای تضمین انسجام این اقدامات با سایر مساعی جامعه بهائی، اخیراً در مرکز جهانی بهائی "دفتر گفت‌وگوهای عمومی" را تأسیس نموده‌ایم تا با پیشبرد تدریجی و هماهنگ‌سازی فعالیت‌ها و تنظیم تجارب، محافل روحانی ملی را در این میدان کمک نماید.

پیشرفت‌های امیدوارکننده‌ای در میادین دیگر نیز دیده می‌شود. در سانتیاگو در کشور شیلی، کار ساختمان ام‌المعابد امریکای جنوبی با سرعت ادامه دارد. بتون‌ریزی شالوده، زیرزمین و تونل خدمات و هم‌چنین ستون‌های بنای اصلی تکمیل شده است. شور و اشتیاق نسبت به ساختمان مشرق‌الاذکار سانتیاگو رو به فزونی است و احساس مشابهی در هفت کشوری که قرار است مشرق‌الاذکارهای ملی یا محلی در آنها بنا گردد نیز در حال افزایش است. در هر یک از این ممالک با استفاده از تبرّعاتی که احبای به صندوق مشرق‌الاذکار تقدیم می‌دارند هم‌اکنون تمهیدات لازم آغاز گردیده اما ملاحظات عملی از قبیل خریداری زمین، تهیه طرح ساختمان و تأمین منابع مالی فقط یک جنبه از مشغله احبای است. این عزیزان اساساً وظیفه‌ای روحانی در پیش دارند که تمامی جامعه در آن مشارکت می‌کند. حضرت عبدالبهاء از مشرق‌الاذکار به عنوان "مغناطیس تأیید پروردگار"، "اساس عظیم حضرت آمرزگار" و "رکن رکنین آیین کردگار" نام می‌برند. این بنیاد عظیم در هر کجا که تأسیس گردد طبیعتاً جزء لاینفک فرایند جامعه‌سازی محیط اطرافش خواهد بود. آگاهی نسبت به این واقعیت در بین آحاد مؤمنین در شهرهایی که قرار است مشرق‌الاذکار در آنها تأسیس گردد در حال افزایش است و یاران الهی در این نقاط به خوبی درک می‌کنند که حیات جمعی‌شان باید به نحو فزاینده‌ای بازتاب تلفیق عبادت و خدمت باشد، تلفیقی که مشرق‌الاذکار به آن تجسد می‌بخشد.

بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم که جامعه جهانی بهائی در هر یک از میادین مختلف مستمراً به پیش می‌رود، ادراکش گسترش می‌یابد، مشتاق کسب بصیرت از تجارب می‌باشد، آماده است تا هرگاه منابعش اجازه دهد وظایف جدیدی را به عهده گیرد، در پاسخگویی به ضروریات تازه چالاک است، از لزوم انسجام در بین عرصه‌های مختلف فعالیتی که به آن اشتغال دارد آگاه بوده و خود را کاملاً وقف ایفای مأموریت خویش نموده

است. اشتیاق و اشتعال جامعه در شور و هیجان عظیم حاصله از دعوت به برگزاری نود و پنج کنفرانس جوانان نمایان است. سرور و شادی این جمع نه تنها از استقبال جوانان عزیز از این کنفرانس‌ها بلکه هم‌چنین از اعلام حمایتی است که دیگر احبّای الهی ابراز نموده‌اند، احبّایی که نقش حیاتی پیروان جوان‌تر حضرت بهاء‌الله را برای ایجاد تحرک و پویایی در تمامی هیکل امرالله درک می‌کنند و ارج می‌نهند.

قلوب این مشتاقان از مشاهده شواهد پی در پی انتشار پیام شفابخش حضرت بهاء‌الله و گسترش دامنه آگاهی از منویات عالیه‌اش مشحون از امیدواری است. در این ایّام پریمیمنت جشن و سرور، آن "یوم فرح اکبر"، عید اعظم رضوان یک قرن و نیم پیش را به خاطر می‌آوریم که جمال اقدس ابهی امر اعظمش را برای اولین بار به ملازمین حضورش در باغ نجیبیه اعلان فرمود. از آن مکان مقدّس کلام الهی به هر شهر و دیار و هر برّ و بحر منتشر شده و نوع انسان را به لقای پروردگارش فرا می‌خواند و از آن نخستین سرمستان باده عشق الهی جامعه‌ای متنوع و هدف‌مند ظاهر و چون گل‌هایی رنگارنگ در بوستان پرورده ید عنایتش شکوفا گردیده است. با گذشت هر روز تعداد بیشتری از نوآگاهان غیور دست دعا و مناجات به سوی روضه مبارکه‌اش بلند می‌کنند و این مستمندان نیز در همان مقام اطهر به یاد آن یوم فرخنده و به شکرانه جمیع مواهبی که حضرتش به جامعه اسم اعظم عطا فرموده، در نهایت تضرّع و تبّتل سر تعظیم به عتبه مقدّسش فرو می‌آوریم.

[امضا: بیت العدل اعظم]